

زُمان ناحیه‌ای حوزه‌ی ترکمنی



■ آناردی عنصری
پژوهشگر تاریخ و ادبیات ترکمن



■ بخش اول:

تعاریف:

«زمان ناحیه‌ای (Regional Novel) ژمانی است که نویسندگان در آن بر گفتار و آداب ناحیه‌ی جغرافیایی خاصی تأکید دارد. این تأکید تنها به معنی صبغه‌ای بومی و محلی نیست بلکه نظر به تأثیری دارد که عوامل ناحیه‌ای و اقلیمی بر خُلق و خوی اشخاص، طرز فکر، عواطف و اعمال آنان بر جا می‌نهد. در ادبیات فارسی، ژمان کلیدر محمود دولت‌آبادی و تنگسیر صادق چوبک نمونه‌های ژمان ناحیه‌ای می‌باشند» (داد، ۱۳۸۵: ۲۵۱). چنانچه در داستان، توصیف ناحیه‌ای خاص جزئی از کیفیت ذاتی ضروری آن اثر بشود و بر وابستگی آن ناحیه با اعمال داستانی تأکید بشود آن را داستان محلی یا ناحیه‌ای می‌نامند. (همان، ۳۲۹).

در ایران داستان‌نویسی ناحیه‌ای را در پنج حوزه طبقه‌بندی می‌کنند:

- داستان‌نویسی حوزه شمال
- داستان‌نویسی حوزه جنوب
- داستان‌نویسی حوزه شرق
- داستان‌نویسی حوزه غرب
- داستان‌نویسی حوزه آذربایجان

داستان‌نویسی حوزه شمال شامل استان‌های: گیلان، مازندران و گلستان است. استان گلستان نیز به دو حوزه‌ی ترکمنی و غیرترکمنی تقسیم می‌شود.

■ داستان‌نویسی ناحیه‌ای حوزه ترکمنی

تعریف:

واژه‌ی ترکمنی در این جا نه به معنای (قومی) و نه به معنای (زبانی) آن دلالت ندارد. بلکه واژه‌ی ترکمنی در این عنوان ناظر بر (مضمون و تم) این گونه‌ی داستانی است. فارغ از این که نویسنده‌ی آن قومیت ترکمنی داشته باشد یا نداشته باشد. و زبان داستان نیز ترکمنی باشد یا نباشد. ولی همه‌ی داستان‌های کوتاه و بلندی که در این حوزه تعریف می‌شوند یک وجه مشترک دارند و آن درونمایه‌ی داستانی است که الزاماً بر محور (اقلیم ترکمن صحرا) پرداخته شده است. اقلیم ترکمن صحرا شامل عناصر: جغرافیایی، زبانی، مردم‌شناختی، تاریخ محلی و هر آنچه مربوط به زیست‌بوم مردم ترکمن در اقلیم ترکمن صحرای ایران است می‌شود. بر این اساس آن دسته از داستان‌نویسان ناحیه‌ای که در حوزه استان گلستان شناخته می‌شوند و بر محور (تم ترکمنی) ژمان یا داستان کوتاه می‌نویسند یا نوشته‌اند در جزو حوزه‌ی ترکمنی جای می‌گیرند. این دسته شامل رمان‌نویسان غیر ترکمن مانند:

نادر ابراهیمی، سیدحسین میرکازمی و ابراهیم حسن‌بیگی و داستان‌نویسان ترکمن همچون: احمد آخوندوف، گورگنلی، آی‌محمد آی‌محمدی، احمد سارلی، عبدالرحمان اونق، عبدالرحمان دیه‌جی، صالح پاک، یوسف سقالی، حکیم بهرامی، یوسف قوجق، هادی خرمالی، حاج‌دوردی کوثری، بهرام‌محمد ایری و ... می‌شود.

■ پیشینه‌ی داستان‌نویسی ناحیه‌ای در حوزه ترکمنی

پیش از انقلاب

چنین می‌نماید اولین اثر از این گونه باید داستان؛ یرسیز بیر غان / خون بناحق ریخته شده نوشته‌ی احمد آخوندوف گورگنلی (۱۹۰۹-۱۹۴۳) را نام بُرد. این اثر حدوداً در سال ۱۹۳۶م نوشته شده و وقایع آن در شهر کوموش‌دپه اتفاق می‌افتد. داستان فضای اختناق رضاشاهی حاکم بر ترکمن صحرا و ستم وارده بر مردم ترکمن را به تصویر می‌کشد. داستان به زبان ترکمنی نوشته شده و برگردان فارسی آن به قلم قربان‌صحت بدخشان با عنوان (خون بناحق ریخته شده) در فصلنامه ترکمن‌نامه شماره ۱ / سال ۱۳۹۷ طی چند شماره به چاپ رسیده است. داستان (خشم تویلیخان) به‌گمانم دومین اثر داستانی از این دست است. نویسنده داستان احمد سارلی (۱۳۲۳- ۱۳۹۸) داستان‌نویس و شاعر اهل گنبدکاووس است. متن فارسی اثر در سال ۱۳۵۲ و متن ترکمنی آن در سال ۱۳۹۵ چاپ و منتشر شد. آی‌محمد آیمحمدی دیگر نویسنده ترکمن است که در سال‌های نخست دهه‌ی پنجاه شمسی با نمایش‌نامه‌های (اورال و غارچ ویون) شناخته شد. نادر ابراهیمی نویسنده‌ی غیر ترکمن است که در سال‌های پیش از انقلاب با نگارش رمان چند جلدی (آتش بدون دود) که بر محور درونمایه‌ی ناحیه‌ای ترکمنی تنظیم شده بود شهرتی فراگیر کسب کرد. هدایت‌الله نوید نمایشنامه‌نویس غیر ترکمن گنبدی نیز با اثر نمایشی خود با نام شنت از آغازگران این حوزه است.

پس از انقلاب

شرایط سیاسی- فرهنگی حادث شده در سال‌های پس از انقلاب سبب بروز تحولاتی اساسی در عرصه‌ی فعالیت‌های فرهنگی- ادبی در سطح ملی شد. داستان‌نویسی در استان گلستان و ترکمن‌صحرا نیز قاعدتاً از این تحولات بی‌نصیب نماند. در همان دهه‌ی نخست انقلاب داستان‌نویسان جوان ترکمن همچون؛ حکیم بهرامی، عبدالرحمان اونق، عبدالرحمان دیه‌جی و دیگران و نیز داستان‌نویسان غیرترکمن چون؛ سیدحسین میرکاظمی و ابراهیم حسن‌بیگی ظهور کردند که خیلی زود خود را به عنوان داستان‌نویسان ناحیه‌ای در حوزه‌ی ترکمنی تثبیت کردند. یوسف قوجق، هادی خرما، حاج‌دوردی کوثری و بهرام‌محمد ایری و دیگران از جمله نسل دوم داستان‌نویسان این حوزه به شمار می‌روند.

تقسیم‌بندی مضمونی

ترکمن‌صحرا از جهت جغرافیایی به سه اقلیم: دریایی، جلگه‌ای و کوهستانی- جنگلی تقسیم می‌شود. هر یک از این اقلیم از جهت مردم‌شناختی (قوم‌نگاری، آداب و رسوم، طرز معیشت، فرهنگ و سیاست و...) شرایط ویژه خود را دارند. این ویژگی‌ها برای یک داستان‌نویس ناحیه‌ای در تولید یک اثر داستانی، فضا و بستر مناسب و بکری را فراهم می‌آورند. تحت تأثیر این شرایط و از جهت مضمونی ما شاهد شکل‌گیری حداقل دو گونه‌ی ژمان ناحیه‌ای در حوزه ترکمنی هستیم:

- ۱- داستان‌هایی با مضمون دریا مانند: «تیرانا» نوشته‌ی بهرام‌محمد ایری و «گرگ دریا» اثر عبدالرحمان اونق.
- ۲- داستان‌های با مضمون جلگه‌ای، مانند: آتش بدون دود، نوشته‌ی نادر ابراهیمی. یورت، نوشته‌ی سیدحسین میرکاظمی. دایره‌ی سرخ، نوشته‌ی عبدالرحمان اونق.

■ بخش دوم: تحلیل

تحلیل و پردازش داده‌های آماری ارائه شده در بخش اول از جنبه‌های مختلف روند شکل‌گیری جریان داستان‌نویسی ناحیه‌ای حوزه ترکمنی استنتاجاتی را به دست می‌دهد که در زیر به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

یکم:

نخستین اثری که در این حوزه نوشته شد (یرسبز بیرغان) تاریخ سال ۱۹۳۶ - ۱۳۱۵ را دارد. دومین اثر (خشم تۆلیخان) در تاریخ ۱۳۵۲ چاپ و نشر یافت. فاصله بین این دو اثر چیزی حدود سی و پنج سال است. از منظر داستان‌نویسی ترکمنی به معنای قومی آن، این فاصله زمانی چیزی جز (گسست) را نشان نمی‌دهد. البته کمی پیش‌تر دومین اثر داستانی توسط یک نویسنده‌ی غیر ترکمن با نام نادر ابراهیمی و با عنوان (آتش بدون دود) بر محور تم ترکمنی منتشر شده بود. ولی با این حال در اصل موضوع که یک شکاف زمانی حدوداً ۳۵ ساله بین نگارش نخستین اثر داستانی و داستان‌های پسین وجود دارد تردیدی نیست. معتمد دلایل این گسست را نیز در شرائط اقتصادی-اجتماعی جامعه‌ی ترکمن‌های ترکمن صحرا باید جستجو کرد. اگر تاریخ دوره‌ی جدید ترکمن صحرا را مقطع زمانی ۱۳۰۵ش یعنی اعمال حاکمیت سیاسی پهلوی اول بر منطقه بگیریم، ارزیابی دقیق‌تری از موضوع گسست و اساساً سیر تحول داستان‌نویسی اقلیمی در حوزه ترکمنی خواهیم داشت. واقعیت این است که تا پیش از این تاریخ یعنی دوره‌ی (ترکمن چلیک)، ترکمن صحرا از نظر شاخص‌های توسعه‌ای، در وجه غالب خود در دوران پیشامدرن به سر می‌برد. سال ۱۳۰۵ش در حقیقت آغاز ورود نهادهای سیاسی - فرهنگی و اقتصادی مدرن به ترکمن صحرا بود. اگر چند این ورود هم با اجبار و توسط نهاد بالادستی یعنی حکومت صورت گرفت و از این رو بیشتر خصلتی (برساخته) داشت. با این حال روندی بود که در جهت مدرن‌سازی صورت‌بندی اقتصادی - اجتماعی ترکمن صحرا آغاز شده بود. این مدرن‌سازی با استقرار مدارس مدرن، نهادهای دولتی، نهادهای نظامی و نهادهای اقتصادی مبتنی بر فعالیت کشاورزی و خدماتی به تدریج مناسبات اقتصادی و فضای فرهنگی جامعه‌ی ترکمن‌های ترکمن صحرا را تحت تأثیر خود گرفت و آن را از جنبه‌های مختلف متحول کرد. اگر ژمان را محصول فرهنگی سیستم سرمایه‌داری بدانیم معنی‌اش این است که در جامعه‌ی ترکمن در پیش از سال ۱۳۰۵ش و مدت‌ها پس از این تاریخ که روند استقرار نهادهای دولت سرمایه‌داری آغاز می‌شود، بروز و حدوث یک گسست تاریخی حدوداً ۳۵ ساله را در روند داستان‌نویسی ترکمنی شاهد باشیم. چرا که هنوز در ترکمن صحرا بسترهای لازم فرهنگی - سطح سواد فرهنگی و کلاسیک، دانش و تجربه‌ی داستان‌نویسی - برای تولید داستان مدرن فراهم نیامده بود. این امر نیز خود ریشه در رشد نامتوازن صورت‌بندی اقتصادی - اجتماعی در منطقه داشت. رشد نامتوازن اقتصادی، لاجرم رشد نامتوازن فرهنگی - سیاسی را سبب شد. این یک نیز به نوبه‌ی خود محصول ادبی - فرهنگی نامتوازن و در حقیقت ناقص را به جامعه عرضه کرد. داستان تۆلیخان نمونه‌ای از این دست است.

دوم:

آمار نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق داستان‌نویسان ترکمن از بخش غربی ترکمن صحرا هستند. این بدین سبب است که این منطقه از سابقه‌ی شهرنشینی قدیم‌تری برخوردار است. کوموش‌دپه از دیرباز یکی از مراکز مهم سکونت، تجاری و سیاسی ترکمن‌های ایران بوده است. تاریخ سیاسی پُر قدرتی دارد. از طریق تجارت دریایی با مراکز تجاری شمال و غرب و جنوب دریای خزر در مسیر تبادلات فرهنگی - اجتماعی قرار داشت. پس

از تصرف قشون رضاخانی نیز نخستین مدارس مدرن و نهادهای اداری - نظامی و ... در مناطق شهری این ناحیه تأسیس شد. نخستین تحصیل‌کردگان ترکمن صحرا از این ناحیه برخاستند. لذا طبیعی است که پیشکسوتان و اکثریت داستان‌نویسان از این ناحیه برآیند کنند. نواحی مرکزی و شرقی ترکمن صحرا در این زمینه از آمار نازلی برخوردارند.

سوم:

در داستان‌نویسی ناحیه‌ای حوزه ترکمنی، زبان فارسی زبان مسلط را تشکیل می‌دهد. غالب آثار داستان‌نویسان این حوزه - ترکمن و غیرترکمن - به زبان فارسی نگاشته می‌شود. محدود آثار داستانی که به زبان ترکمنی نوشته شده را نیز داستان کوتاه تشکیل می‌دهد. این قصه‌ها نیز از لغزش‌های زبانی نحوی و صرفی خالی نیستند. البته این رویداد نیز ریشه در واقعیت‌های تاریخی دارد که وجود تبعیض زبانی، عدم وجود آموزش زبان مادری در مراکز آموزشی و اساساً عدم وجود سنت داستان‌نویسی مدرن به زبان ترکمنی در میان ترکمن‌های ایران از آن دست است.

■ بخش سوم: نقد داستان‌های «یرسیز بیرغان» و «خشم تۆلیخان»

الف: داستان یرسیز بیرغان

خالق این اثر داستانی، احمد آخوندوف گورگنلی است. وی به دلیل داشتن اصالت ایرانی به احمد صیادی نیز مشتهر است. وی فرزند رجب آخوند صیادی روحانی سرشناس است. احمد صیادی در سال ۱۲۸۸ / ۱۹۰۹ در شهر کوموش‌دپه زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در این شهر گذراند و در سال ۱۹۲۶ به تقریب دو سال بعد از اشغال کوموش‌دپه توسط قشون رضاخانی به ترکمنستان شوروی مهاجرت کرد. در مسکو تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات ترکمنی ادامه داد. وی در سال ۱۹۴۳ در جبهه‌ی جنگ با نیروهای آلمان نازی جان باخت. از وی آثار پژوهشی فراوانی در موضوع زبان و ادبیات ترکمنی به‌جا مانده است. وی رمان کوتاه (یرسیز بیرغان) را به زبان ترکمنی در سال ۱۹۳۶م نوشت. مطابق این تاریخ، صیادی بعد از حدود ده سال حضور و تحصیل در شوروی این رمان را نگاشته است. رمان بر محور تم ترکمنی و عمدتاً در فضای اجتماعی - سیاسی ترکمن‌های کوموش‌دپه طرح‌ریزی شده است.

خلاصه‌ی داستان

مختار کارگزار گمرک دولتی در کوموش‌دپه، فردی فاسد و رشوه‌خوار است. وی به دختر جوان ترکمنی تجاوز می‌کند. دو تن از خویشاوندان به دنبال کشته شدن دختر جوان به قصد انتقام خون وی، مختار را به قتل رسانده به آن سوی مرز می‌گیرند. شهربانی در جستجوی قاتل یا قاتلین مختار فردی بی‌گناه با نام آراز را دستگیر می‌کند. با دسیسه‌چینی خواهر مختار، آراز که متهم اصلی قتل است بی‌گناه اعدام می‌شود.

تحلیل داستان

بر این گمانم که در داستان «یرسیز بیرغان» گفتمان مرکزی نویسنده بر عدالت‌خواهی متمرکز است. عدالت‌خواهی نویسنده دو سویه دارد. سویی سلبی آن متوجه فضای سیاسی - اجتماعی قصه، یعنی دولت رضاشاهی و

کوموش دپه بوده در حیات سیاسی- اجتماعی مردم ترکمن صحرا (نمونه‌ی خواجه نفس و کوموش دپه) در قالب اعمال ستم سیاسی و ستم اقتصادی از جانب دولتیان به تصویر کشیده می‌شود. سوبه‌ی ایجابی آن نیز در تصویر گذرایی که نویسنده از فضای ترکمنستان و حکومت شوراها ارائه می‌دهد بیان می‌شود. گوزل دختری کوچ‌نشین (چاروا) است. در فضای آن سوی مرز، دانش‌آموزی شاد و برخوردار از حقوق برابر با دیگران معرفی می‌شود. ولی همین دختر جوان در کوچ به کوموش دپه گرفتار در چنگال ستم مأمور حکومتی پرپر می‌شود. و بر اثر تجاوز مختار، جان می‌بازد. قربان، خویشاوند گوزل به خونخواهی وی با همراهی دوستش بایرام، مختار را می‌کشند و به آن سوی مرز می‌گریزند. اقدام قربان و دوستش بایرام، اگر چند به‌ظاهر انگیزه‌ی شخصی انتقامجویی دارد اما حرکتی نمادین از جانب دو قهرمان بر علیه سیستم ستم‌پیشه‌ی دولتی است. آن دو اگر چند دو فرد عادی از میان توده‌ی مردم ترکمن هستند اما دیالوگ دو نفره‌شان بیانگر درجه‌ای از آگاهی آنان بر مناسبات ناعادلانه‌ی موجود در جامعه و حکومت به عنوان خاستگاه این بی‌عدالتی است.

ب: داستان خشم تویلیخان

نویسنده و شاعر ترکمن، احمد سارلی در سال ۱۳۲۳ در یکی از روستاهای مجاور گنبدکاس به دنیا آمد. وی در طول فعالیت ادبی خود در زمینه‌ی داستان و شعر آثاری خلق کرد که داستان عاشقانه‌ی «آینا و مؤللا» و «قئودال‌ها» و دفتر شعر با نام «کونگول غوشی» از آن جمله‌اند. به واقع می‌توان وی را روایتگر مسائل مربوط به زمین و زمینداری در گوشه‌ای از ترکمن صحرا دانست. داستان خشم تویلیخان اولین اثر داستانی چاپ شده‌ی وی است که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد. احمد سارلی در سال ۱۳۹۸ فوت شد.

خلاصه داستان

وقایع داستان در دوره‌ی حکومت قاجاری در یکی از روستاهای ترکمن‌نشین کناره‌ی گرگانود روی می‌دهد. دو برادر خانزاده با نام‌های حسن و نظر بر سر تقسیم میراث پدری با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند. نظر برادر کوچک‌تر، حسن را ناجوانمردانه به قتل می‌رساند. همه‌ی دارایی‌های وی را تصاحب می‌کند و خانواده‌اش را تحت فشار می‌گذارد. امان ملا پسر حسن به اجبار و به همراه زن و تنها دختر نوجوانش روستای پدری را ترک کرده در یکی از روستاهای همجوار در تحت حمایت شخصی درستکار به زندگی ادامه می‌دهد. تویلی تنها پسر شخص اخیر است. که بعد از مرگ پدر با امان ملا و دختر او عایشه زندگی می‌کند. دو جوان (عایشه و تویلی) یکدیگر را دوست دارند. تویلی جوانی ورزیده و شجاع و پایدار در مقابل به ظلم توصیف می‌شود. از اتفاق، نظرخان، عایشه را برای پسرش عبدی خواستگاری می‌کند. اما با جواب منفی. امان ملا و عایشه روبرو می‌شود. نظرخان به زور متوسل می‌شود. سوارهایش را به سراغ خانواده‌ی عایشه گسیل می‌کند. پس از چند دور درگیری فیزیکی بین دو خانواده در نهایت جدالی بین عبدی پسر نظرخان و تویلی درمی‌گیرد که با پیروزی تویلی و کشته شدن نظرخان و پسرش عبدی خاتمه می‌یابد. بدین ترتیب قصه با پایانی خوش به سرانجام می‌رسد.

تحلیل داستان

قصه، داستانی ساده و یک‌خطی دارد. وجه آشکار قصه درگیری بین دو خانواده را روایت می‌کند. که بر زمینه‌ی دستمایه‌ای عشقی پیش می‌رود. اما می‌دانیم که در خوانش یک متن داستانی - هر چند ساده - نباید به وجه

آشکار آن بسنده کرد. بل که متن فراتر از وجه نمایان وجه پنهانی نیز دارد که برای کشف رمز آن باید به مؤلفه‌هایی بیرونی چون: زندگی‌نامه‌ی نویسنده، بینش وی و شرایط تاریخی نگارش قصه و در یک کلام، شرایط جامعه‌شناختی عصری که زمان در آن تولید شده است توجه ویژه کرد. این یک حقیقت است که رمان محصول شرایط اجتماعی دوره‌ی خود است. اگر مبنای ورود مدرنیته و مناسبات اجتماعی جدید در ترکمن‌صحرا را سال ۱۳۰۵ بگیریم در پایان دهه‌ی ۱۳۴۰ نزدیک به ۳۵ سال از آغاز تحولات زیرساختی در ترکمن‌صحرا می‌گذرد. در این مدت پایه‌های نظام ایلی شکاف‌های عمیق برداشته و مناسبات اجتماعی جدید جایگزین آن شده است. اصلی‌ترین مختصه‌ی نظام اجتماعی جدید تقسیم جامعه‌ی یکپارچه‌ی ایلی سابق به گروه‌های اجتماعی جدید است. در نظام جدید گروه‌های اجتماعی با یکدیگر در تضاد و درگیری‌اند. در حالی که در مناسبات ایلی، جامعه در درون از یکپارچگی کلی برخوردار است و مشخصه‌ی اساسی فرد در این‌گونه جوامع، انسان ایلی است. فرد فی‌نفسه ارزشی ندارد و ارزش او در تابعیت از عرف جاری جامعه‌ی ایلی سنجیده می‌شود. اما در جامعه‌ی نو، تحت سلطه‌ی مناسبات طبقاتی، انسان مختصه‌ی اجتماعی دارد. در این جامعه تضادهای طبقاتی یکپارچگی را مختل می‌کند. جامعه کلیت به هم پیوسته‌ی خود را از دست می‌دهد و به اجزاء تقسیم می‌شود. در نتیجه فرد، خصلت انسان اجتماعی کسب می‌کند. درگیری نمایندگان گروه‌های مختلف در درون جامعه‌ی طبقاتی نوع جدیدی از حماسه را رقم می‌زند که در داستان‌ها متبلور است. داستان خشم تۆلیخان یک نمونه‌ی ساده‌ی این تضاد است. خشم تۆلیخان در حقیقت، واقعیت پنهان را به واقعیت بیان شده تبدیل می‌کند. واقعیت پنهان یعنی این‌که جامعه‌ی ترکمن از دل خود مناسبات جدید و به تبع آن عناصر جدید اجتماعی خلق می‌کند. این عناصر جدید نظم کهنه را به چالش می‌کشند. در داستان، تۆلی نماینده‌ی نیروهای جدید اجتماعی در جامعه‌ی ترکمن در دوره‌ی پهلوی است. رمزگشایی داستان خشم تۆلیخان این پیام را به ما می‌دهد که جامعه جدید ترکمن بستر ظهور نیروهای جدید اجتماعی است که از اصول ارزشی، عرفی جامعه‌ی سنتی عبور کرده‌اند. این یعنی مرگ انسان ایلی و تولد انسان اجتماعی. البته باید یادآور شوم که احمد سارلی داستان‌نویس در این اثر، بیشتر تیپ خلق می‌کند تا شخصیت. نظر خان و تۆلی بیشتر تیپ‌اند تا شخصیت. داستان از عناصر و ملزومات یک زمان بی‌بهره است. زبانی بسیار ساده دارد که در آن لغزش‌های دستوری اندک نیستند. از عناصر زیبایی‌شناختی یک متن داستانی بی‌بهره است. ساختار روایی متن بیشتر به یک روایت و گزارش مردمی تاریخی شباهت دارد تا یک روایت داستانی با تعریف کلاسیک. با این همه در پس پرده‌ی همین ساختار روایت مردمی نیز داستان حاوی گفتمانی نو است. گفتمانی که تغییر در بنیان‌های کهنه‌ی مناسبات ایلی و انشقاق ساختارهای ایلی را به تصویر می‌کشد. این امر نیز از طریق تولد نیروی اجتماعی جدید که تراز یک انسان اجتماعی و نه انسان ایلی را در سیمای تۆلی نمایش می‌دهد رخ می‌نماید.

■ نتیجه

بررسی تاریخی‌چهره‌ی داستان‌نویسی ناحیه‌ای - حوزه ترکمنی نشان می‌دهد که سیر تحول آن دو دوره‌ی زمانی را طی کرده است:

الف: دوره‌ی آغازین

این دوره با خلق رمان کوتاه ناحاق بیر غان در سال ۱۳۱۶ آغاز و تا سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۶۰ طول می‌کشد. در بازه زمانی طولانی فوق که نزدیک به نیم قرن را در بر می‌گیرد تا آن‌جا که صاحب این قلم اطلاع دارد، بضاعت

داستان‌نویسی ناحیه‌ای ترکمنی بیش از چند اثر انگشت‌شمار نیست. از معدود آثار این دوره می‌توان از آتش بدون دود اثر نادر ابراهیمی - نویسنده غیر ترکمن - خشم تۆلیخان نوشته احمد سارلی نویسنده ترکمن و چند اثر نمایشنامه‌ای از آی‌محمد آیمحمدی و قرباندوردی طغانپور نام بُرد. البته این دوره‌ی آغازین را نیز می‌توان به دو دوره‌ی داخلی تقسیم کرد: ۱۳۱۶ تا ۱۳۵۰ و ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰. خصلت اساسی این دوره، سکوت مطلق در داستان‌نویسی از ۱۳۱۶ تا ۱۳۵۰ است. در این دوره به‌جز یک قصه‌ی کوتاه حتی یک اثر داستانی که چاپ و نشر شده باشد سراغ ندارم. دوره‌ی دوم که از ۱۳۵۰ شروع می‌شود آغاز داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی ناحیه‌ای در میان نویسندگان ترکمن و غیر ترکمن است. در گُل، دوره‌ی آغازین را می‌توان دوره‌ی تدارک داستان‌نویسی ناحیه‌ای در حوزه‌ی ترکمنی مخصوصاً در معنای قومی آن دانست.

ب: دوره‌ی شکوفایی به تقریب از سال ۱۳۷۰

این دوره با تولید و چاپ و نشر آثار داستانی متعددی آغاز شد که توسط نویسندگان ترکمن و غیر ترکمن نگارش یافتند. از شاخص‌ترین داستان‌نویسان این دوره می‌توان به نویسندگان غیر ترکمن مانند: سیدحسین میرکاظمی و ابراهیم حسن‌بیگی اشاره کرد. نویسندگان ترکمن این دوره در حقیقت نسل جدیدی بودند عموماً متولدین ۱۳۴۰ به بعد که آثار داستانی و نمایشنامه‌ای ناحیه‌ای ترکمنی را در دهه‌ی پنجاه شمسی از نزدیک مطالعه کرده بودند. کارگاه‌های آموزش داستان‌نویسی را گذرانده بودند. همچنین رویدادهای فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ترکمن‌های ایران را در برهه‌ی توفانی سال‌های نخست انقلاب مشاهده و تجربه کرده بودند. از نویسندگان ترکمن در این دوره، نام‌هایی چون حکیم بهرامی، عبدالرحمان اونق، عبدالرحمان دیه‌جی، صالح پاک، یوسف سقالی برجسته‌اند. داستان‌نویسانی مانند یوسف قوجق، هادی خرمالی، حاج‌دوردی کوثری و بهرام‌محمد ابری نسل جوان‌تر این دوره محسوب می‌شوند.